DOI: https://doi.org/ 10.22034/isqs.2026.54251.2482
Print ISSN: X2588-414
Online ISSN: X2783-5081
Pages: 29-59

Received: 2026.5.7
Accepted: 2026.8.26

Original Research

Exploring the Relationship between Responsibility and Anxiety Based on a Semantic Analysis of *Ḥuzn* in the Holy Qur'an

Morteza Salmannejad [1] ✵
Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Amirhossein Hosseinzadeh Ivari [2]
Ph.D. Candidate, Department of Quranic Sciences and Hadith, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Introduction

This study aims to analyze the relationship between responsibility and concern within the semantic system of the Holy Qur'an, focusing on a semantic analysis of the term **ḥuzn** (grief/sorrow) and its derivatives. The central research question is to what extent the concept of **ḥuzn** in Qur'anic usage extends beyond its affective connotation of sorrow and becomes linked to the anxiety arising from a sense of ethical obligation and responsibility. Accordingly, the research seeks to clarify the position of **ḥuzn** in elucidating the relationship between the responsibility of the believing individual and the concerns stemming from the consequences of action, the fulfillment of duty, and eschatological destiny. The research methodology is descriptive-analytical, grounded in a structuralist semantic approach and an analysis of syntagmatic and paradigmatic relations within semantic fields. To this end, all instances of the root *ḥ-z-n* in the Qur'an were extracted and examined in relation to co-

[1] salmannejad@isu.ac.ir
[2] ah.hoseinzade@isu.ac.ir

hypo-field terms such as **khawf** (fear), **ghamm** (anguish), **ḍīq** (distress), and **baththh** (grief/anguish), in order to reconstruct the semantic components of **ḥuzn** and its place within the Qur'anic conceptual network.

Results & Conclusion

The findings indicate that **ḥuzn** in the Qur'an does not merely denote sorrow or psychological distress; rather, in many instances, it is associated with a type of anxiety arising from moral awareness, a sense of responsibility, and attentiveness to the consequences of one's actions. From this perspective, part of the experience of **ḥuzn** in the life of a believer is rooted in the preoccupation with fulfilling one's duty, the loss of opportunities for good, and consideration of the moral and spiritual outcomes of human behavior. Furthermore, usages such as *"*lā khawfun ʿalayhim wa-lā hum yaḥzanūn*"* (no fear shall be upon them, nor shall they grieve) demonstrate that the removal of **ḥuzn** in the Qur'anic logic does not signify a negation of responsibility, but rather the elimination of debilitating anxieties and the instillation of assurance regarding the ultimate outcome of responsibility, in light of faith and divine guidance. Accordingly, the semantic analysis of **ḥuzn** reveals that the Qur'an establishes a meaningful connection between responsibility and concern, such that the anxiety arising from moral commitment can be an integral part of the believer's experience. However, this concern ultimately finds its meaning and resolution within the horizon of trust in God and certainty in the fulfillment of divine promises.

Keywords

Holy Qur'an, *ḥuzn* (grief/sorrow), *khawf* (fear), anxiety, concern/worry, responsibility, structural semantics

DOI: https://doi.org/ 10.22034/isqs.2026.54251.2482

شاپای چاپی X2588-414
شاپای الکترونیکی X2783-5081
صفحات: ۲۹-۵۹

دریافت: ۱۴۰۵/۲/۱۷
پذیرش: ۱۴۰۵/۶/۴

مقاله پژوهشی

واکاوی نسبت مسئولیت‌پذیری و نگرانی بر پایه تحلیل معناشناختی حزن در قرآن کریم

مرتضی سلمان نژاد[3] ✵ — استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

امیرحسین حسین زاده ایوری[4] — دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی نسبت مسئولیت‌پذیری و نگرانی در منظومه معنایی قرآن کریم مبتنی بر تحلیل معناشناختی واژه «حزن» و مشتقات آن تمرکز دارد. مسئله اصلی تحقیق آن است که مفهوم حزن در کاربردهای قرآنی تا چه اندازه فراتر از دلالت عاطفیِ اندوه رفته و با نگرانی ناشی از احساس تعهّد و مسئولیت اخلاقی پیوند می‌یابد. در این راستا، پژوهش می‌کوشد جایگاه حزن را در تبیین رابطه میان

[3] salmannejad@isu.ac.ir
[4] Ah.hoseinzade@isu.ac.ir

مسئولیت‌پذیری انسان مؤمن و نگرانی‌های برخاسته از پیامدهای کنش، انجام تکلیف و سرنوشت اخروی روشن سازد. روش تحقیق توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر رویکرد معناشناسی ساختگرا و تحلیل روابط همنشینی و جانشینی در چارچوب حوزه‌های معنایی است. بدین منظور، همه موارد استعمال ماده «حزن» در قرآن کریم استخراج و در نسبت با واژگان هم‌حوزه‌ای، از جمله «خوف»، «غمّ»، «ضیق» و «بثّ» مورد بررسی قرار گرفته است تا مؤلفه‌های معنایی حزن و جایگاه آن در شبکه مفهومی قرآن بازسازی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حزن در قرآن کریم صرفاً بیانگر اندوه یا تأثر روانی نیست، بلکه در بسیاری از موارد با نوعی نگرانی برخاسته از آگاهی اخلاقی، احساس مسئولیت و توجه به پیامدهای اعمال ارتباط می‌یابد. از این منظر، بخشی از تجربه حزن در حیات مؤمنانه ریشه در دغدغه انجام تکلیف، از دست رفتن فرصت‌های خیر و توجه به نتایج معنوی و اخلاقی رفتار انسان دارد. همچنین، کاربردهایی نظیر «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» نشان می‌دهد که رفع حزن در منطق قرآن نه به معنای نفی مسئولیت، بلکه ناظر به زدودن نگرانی‌های فرساینده و ایجاد اطمینان نسبت به فرجام مسئولیت‌پذیری در پرتو ایمان و هدایت الهی است. بر این اساس، تحلیل معناشناختی حزن نشان می‌دهد که قرآن کریم میان مسئولیت‌پذیری و نگرانی رابطه‌ای معنادار برقرار می‌کند؛ به گونه‌ای که نگرانیِ برخاسته از تعهّد اخلاقی می‌تواند بخشی از تجربه ایمانی انسان باشد، اما این نگرانی در نهایت در افق اعتماد به خداوند و اطمینان به تحقق وعده‌های الهی معنا و سامان می‌یابد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، حزن، خوف، اضطراب، نگرانی، مسئولیت‌پذیری، معناشناسی ساختگرا

۱. مقدمه و طرح مسأله

مفهوم «حزن» از پرکاربردترین مفاهیم عاطفی در قرآن کریم است که در بافت‌های گوناگون به‌کار رفته است. با این حال، فهم رایج از این واژه غالباً آن را به «اندوه» به‌مثابه یک حالت صرفاً هیجانی فروکاسته است؛ در حالی‌که تأمل در سیاق‌های قرآنی نشان می‌دهد «حزن» در شبکه‌ای از مفاهیم هم‌پیوند همچون «خوف»، «غمّ»، «ضیق»، «بثّ» و ... معنا می‌یابد و در بسیاری موارد، با مقوله‌هایی نظیر مسئولیت، تعهّد و پاسخ‌گویی انسان در برابر خداوند و خویشتن مرتبط می‌شود. ویژگی خاص این واژه، اشتراک لفظی آن با

واژه «حزن» در زبان فارسی است. اشتراک مزبور زمینه برخی لغزندگی‌ها در فهم معنای آن در کاربردهای قرآنی شده است. البته این مهم برای دیگر واژه‌های همسان چون «ظن»، «علم»، «شک» و ... نیز صادق است. تکرار تعبیر «لا خوفٌ علیهم ولا هم یحزنون» در توصیف مؤمنان نیز پرسشی مهم پیش می‌نهد: آیا نفی «حزن»، نفی مطلق هرگونه اندوه است، یا نفی نوع خاصی از نگرانی و اضطراب وجودی که ریشه در فقدان اعتماد، معنا یا انجام مسئولیت دارد؟

مسئله اصلی این پژوهش آن است که «حزن» در قرآن کریم از چه ساختار معنایی‌ای برخوردار است و چگونه می‌تواند نسبت میان مسئولیت‌پذیری و نگرانی را در منظومه مفهومی قرآن کریم تبیین کند. به بیان دیگر، آیا می‌توان نشان داد که حزن در برخی بافت‌ها نه نشانه ضعف روانی، بلکه بازتاب حساسیت اخلاقی و احساس مسئولیت انسان مؤمن است، و در مقابل، نفی حزن بیانگر رهایی از اضطراب‌های ناشی از بی‌اعتمادی یا گسست از نظام معنایی ایمان است؟ این پرسش، ما را از تلقی تک‌بعدیِ عاطفیِ حزن به سوی فهمی وجودی ـ اخلاقی رهنمون می‌سازد که در آن، هیجان و تعهّد در پیوندی ساختاری قرار می‌گیرند. چنان‌که پیش‌تر بیان شد، روش پژوهش حاضر مبتنی بر معناشناسی ساختگرا است؛ ازاین‌رو، در بررسی پیشینه پژوهش، دامنه مطالعات مرتبط به آثاری که از این رویکرد بهره برده‌اند، محدود می‌شود. در همین راستا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مهناز رحیمی با عنوان «معناشناسی حزن در قرآن کریم» که با راهنمایی اعظم پرچم در دانشگاه اصفهان تدوین شده، از جمله پژوهش‌های مرتبط و در دسترس در این حوزه به شمار می‌آید. این پایان‌نامه در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ دفاع و منتشر شده است. پژوهشگر در این اثر، پس از طرح کلیات و تبیین مفاهیم بنیادین پژوهش، به تشریح روش تحقیق خود پرداخته و سپس بر اساس همان چارچوب، مطالعه خویش را سامان داده است (ر.ک: سراسر اثر). با وجود اهمیت این پژوهش و تقدّم آن در موضوع مورد بحث، به نظر می‌رسد در به‌کارگیری روش معناشناسی ساختگرا کاستی‌هایی وجود دارد که بر نتایج نهایی آن تأثیر گذاشته است. مهم‌ترین نقد وارد بر این پژوهش به نحوه شناسایی و انتخاب واژگان همنشین بازمی‌گردد؛ زیرا در رویکرد معناشناسی ساختگرا، تعیین دقیق روابط همنشینی از ارکان اساسی تحلیل معنایی به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد برخی از انتخاب‌های صورت‌گرفته در این بخش با مبانی روش‌شناختی این رویکرد سازگاری کامل ندارد و همین امر در مراحل بعدی تحلیل نیز اثر گذاشته است. در نتیجه، برخی از استنباط‌ها و نتایج حاصل از پژوهش با چالش‌های روش‌شناختی مواجه شده‌اند. لازم به ذکر است که تحقیقات دیگر یا رویکردی تفسیری ـ موضوعی داشته‌اند یا به بررسی روان‌شناختی مفاهیم

دینی پرداخته‌اند، بی‌آنکه ساختار درونی میدان معنایی واژه را در متن قرآن کریم استخراج کنند. از این‌رو، خلأ پژوهشی در تبیین دقیق ساختار معنایی «حزن» و نسبت آن با مفاهیم مجاور احساس می‌شود. اهمیت این پژوهش افزون بر غنای مطالعات قرآنی، در ظرفیت میان‌رشته‌ای آن نهفته است.

در حوزه مطالعات اسلامی، تحلیل معناشناختی حزن می‌تواند به بازخوانی مفاهیم صبر، توکل، رضا و آرامش ایمانی یاری رساند و تصویر دقیق‌تری از شناخت انسان در قرآن کریم ارائه دهد. در حوزه روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی دین و روان‌شناسی هیجان، این تحقیق می‌تواند نشان دهد که قرآن کریم میان «اضطراب فلج‌کننده» و «نگرانی مسئولانه» تمایز می‌نهد و برخی سطوح اندوه را در پیوند با تعهّد اخلاقی معنا می‌کند؛ امری که می‌تواند در نظریه‌پردازی درباره هیجانات اخلاقی و کارکرد سازنده آن‌ها مفید باشد. همچنین در تعلیم و تربیت، بازخوانی مفهوم حزن می‌تواند به تبیین جایگاه «حساسیت اخلاقی»، «وجدان تربیتی» و «مسئولیت‌پذیری» در شکل‌گیری شخصیت متعادل کمک کند؛ شخصیتی که نه گرفتار اضطراب مزمن است و نه دچار بی‌تفاوتی ارزشی.

از منظر روش‌شناختی، مزیت این پژوهش در تکیه بر معناشناسی ساختگرا و تحلیل روابط همنشینی و جانشینی واژگان است. بر اساس این رویکرد، معنای هر واژه نه به‌صورت منفرد، بلکه در شبکه تفاوت‌ها و تقابل‌های درون‌متنی شکل می‌گیرد. همچنین بررسی بافت‌های نحوی و سیاق‌های خطابی نشان می‌دهد که چگونه حزن در موقعیت‌های مختلف معنای خاص می‌یابد. این روش امکان می‌دهد تا از برداشت‌های ذوقی یا پیش‌فرض‌های روان‌شناختی فاصله گرفته و به ساختار معنایی برآمده از خود متن قرآن کریم دست یابیم. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر تحلیل ساختار معنایی «حزن»، نسبت آن را با مسئولیت‌پذیری و نگرانی در منظومه مفهومی قرآن کریم تبیین کند و نشان دهد که این کتاب آسمانی چگونه از رهگذر بازتعریف معنای اندوه، الگویی متوازن از زیست مؤمنانه ارائه می‌دهد؛ الگویی که در آن، احساس مسئولیت اخلاقی می‌تواند به دغدغه‌مندی و نگرانی سازنده بینجامد، اما ایمان، توکل و اعتماد به وعده‌های الهی از شکل‌گیری نگرانی‌های فرساینده و اضطراب‌های ویرانگر جلوگیری می‌کند.

۲. تحلیل لغوی و ریشه‌شناختی حزن

کاربردهای متنوع ماده «حزن» در صورت‌های صرفی و سیاق‌های گوناگون قرآن کریم، ضرورت تحلیل لغوی و بررسی پیشینه معنایی آن را دوچندان می‌سازد. ازاین‌رو، برای آشنایی دقیق‌تر با مؤلفه‌های معنایی

این ماده، نخست دیدگاه فرهنگ‌های معتبر زبان عربی درباره معنای «حزن» بررسی خواهد شد. سپس، به منظور دستیابی به تصویری روشن‌تر از پیشینه و ظرفیت‌های معنایی این ریشه، شواهد موجود درباره آن در برخی زبان‌های سامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدیهی است این بخش در پی ارائه یک ریشه‌شناسی تاریخیِ جامع به معنای دقیق زبان‌شناختی آن نیست؛ زیرا چنین پژوهشی مستلزم بررسی نظام‌مند شواهد تاریخی، تعیین تقدم و تأخر داده‌های زبانی و تحلیل تحولات آوایی و معنایی ریشه در شاخه‌های مختلف زبان‌های سامی است. ازاین‌رو، آنچه در اینجا ارائه می‌شود بیشتر ناظر به مقایسه داده‌های موجود و بهره‌گیری از آن‌ها برای فهم بهتر میدان معنایی «حزن» در زبان قرآن است. به نظر می‌رسد اشتراک لفظ «حزن» در کاربرد قرآنی با استعمال رایج آن در زبان فارسی، که غالباً به معنای اندوه و ناراحتی فهمیده می‌شود، گاه زمینه برخی لغزش‌های تفسیری و ترجمه‌ای را فراهم آورده و موجب شده است بخشی از ظرایف معنایی این واژه در بافت قرآنی کمتر مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱. تحلیل لغوی

تفاوت میان دو صورت مختلف صرفی این ماده که در برخی کاربردها به‌صورت «حَزَنَ» و گاهی نیز «حُزن» بکار می‌رود؛ از جمله مهمترین موضوعات ذیل این ریشه است که لغویان بدان پرداخته‌اند. خلیل آنها را دو واژه از هم جدا[۵] دانسته که هرگاه حرف اول فتحه بگیرد دومی نیز مفتوح می‌شود اما هرگاه حرف اول ضمه بگیرد دومی ساکن خواهد بود که هردوی آنها نزد عرب استعمال می‌شود[۶] (فراهیدی، ۱٤۰۹، ۳، ۱٦۰؛ ازهری،۱٤۲۱، ٤، ۲۱۱). در تحلیل دیگری، خلیل به نقل از ابوعمرو دانی منشأ این تفاوت را کاربرد نحوی واژه حزن دانسته است. هنگامی که حزن در جایگاه نحوی منصوب در جمله قرار دارد، فتحه بکار می‌رود و هنگامی که در جایگاه نحوی مرفوع و یا مکسور قرار می‌گیرد، از ضمه استفاده می‌شود[۷].

خلیل دو کاربرد ثلاثی مزید (باب افعال: أحزَن) و ثلاثی مجرد (حَزَن) برای این ریشه درنظر گرفته که صورت ثلاثی مزید آن متعدی اما صورت ثلاثی مجردش لازم است. همچنین تصریح کرده که صورت اسم

---

[۵] لغتان

[۶] إذا ثَقَّلُوا فَتَحُوا، و إذا ضَمُّوا خَفَّفُوا

[۷] إذا جاء الحَزَن منصوبا فتحوه، و إذا جاء مكسورا مرفوعا ضموه، قال الله عز و جل-: وَ ابْيَضَّتْ عَيْناهُ مِنَ الْحُزْنِ {يوسف:٨٤} و قال- عز اسمه-: وَ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَناً {توبه:٩٢}. و قوله- عز و جل-: إِنَّما أَشْكُوا بَثِّي وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ {يوسف:٨٦}. ضموا الحاء هنا لكسرة النون، كأنه مجرور في استعمال الفعل

فاعل این ماده «مُحزِن» بوده و صورت حازِن اساساً بکار برده نمی‌شود (همان). نکته قابل ذکر درخصوص این ساخت اسم فاعل آنکه ساخت ثلاثی مزید اسم فاعل از ماده ح‌زن در مقابل ساخت وزن فاعِل، معنای ضمنی دائمی بودن را نیز به همراه دارد. نکته جالب ذکر آنکه بعد از خلیل و ازهری بقیه لغویان به این مطالب اشاره نکرده‌اند و هرکدام از آنها را یک صورت مجزا با معنایی متفاوت از دیگری درنظر گرفته‌اند. خلیل در تحلیل معنایی این ماده از سه کاربرد نزد عرب پرده برداشته است. تعبیر «الحَزْن من الأرض و الدواب» یعنی زمین یا چهارپایی که در آن سختی و خشونت باشد[۸]. کاربرد «حُزَانةُ الرجل» یعنی آن چیزی که فردی بخاطرش محزون می‌شود[۹]، او در ادامه از تعبیر «سفنجقانیهٔ» یاد کرده که مراد از آن سرزمینی است که بدون جنگ فتح شده باشد و در آنجا به منظور گسترش فتوحات اردو زده باشد(همان).

ابن‌درید از کاربرد «الحَزن: الغلظَ من الأرض» یاد کرده که معنایش قسمت سفت و محکم زمین است و وقتی فردی بر آن قسمت محکم می‌ایستد از تعبیر «أحزَنَ الرَجُلُ» استفاده می شود. البته این معنا مشابه کاربرد نخستی است که خلیل برای تحلیل معنایی ماده ح‌زن ذکر کرد (ابن‌درید،۱۹۸۸، ۱، ۵۲۹). ابن‌درید کاربرد «حُزانَةُ الرَجُل» را به خانواده فرد تخصیص داده است که ازهری از طریق ابوعبید قاسم بن سلّام به نقل از اصمعی این معنا را تکرار کرده است (ابن‌درید،۱۹۸۸، ۱، ۵۲۹؛ ازهری، ۱٤۲۱، ٤، ۲۱٤).

ازهری تمامی معانی پیش گفته را ذکر کرده و در عین حال چند کاربرد و معنای جدید بر آن افزوده است. از جمله استناد به عبارت «إنَّ الشیطَانَ یُحَزِّنُه» ذیل حدیثی که از عبدالله بن عمر درخصوص فردی که از حضور در میدان جنگ خودداری کرده است، قابل ذکر است. در تحلیل معنایی این روایت گفته شده که شیطان، فرد را آن قدر وسوسه می‌کند که در نهایت منجر به عدم جنگیدن او می‌شود، موضوعی که باعث ندامت و حزن فرد می‌شود (ازهری،۱٤۲۱، ٤، ۲۱۳). همچنین در ادامه معنای زمین سفت، ازهری تأکید بر تفکیک دو کاربرد از حُزن دارد: نخست حُزن بنی یربوع و دیگری حُزنی در منطقه زُبالهٔ (همان). ازهری با ذکر مثالی دیگر تبیین واضح‌تری درخصوص معنای مسئولیت داشتن ارائه کرده است: «یقول الرجل لصاحِبِه: کَیْفَ حَشَمُک و حُزَانَتُک أی کَیْفَ مَنْ تَتَحَزَّنُ بأمْرِهم». درواقع دایره کسانی که مسئولیت آنها برعهده فرد است، همچون خادمان و خانواده‌ی او جزء حُزانهٔ فرد محسوب می‌شوند(همان).

---

[۸] ما فیه خشونهٔ

[۹] من یَتَحَزَّن بأمره

صاحب بن‌عباد نیز در ادامه سنت لغویان به کاربردهای جدیدی اشاره کرده است. وی در تبیین تفاوت کاربرد دو صورت حَزَن و حُزن به نقل از ابن‌الأعرابی اینگونه تحلیل کرده که حُزن در قلب ماندگار بوده و تسلی نمی‌یابد اما حَزَن را می‌توان توسط صاحبان مصیبت تسلی بخشید[۱۰] (ابن‌عباد، ١٤١٤، ٣، ١٠). در کاربردی دیگر از حسن بصری ذکر کرده: «قال الحَسَنُ لابْنِه: لقد شَغَلَنی الحُزْنُ علیکَ عن الحُزْنِ لک»(همان). در کاربردی دیگر حَزن را معادل بد اخلاقی معرفی کرده[۱۱] که علاوه بر انسان صورت حَزُون آن برای حیوانات نیز بکار می‌رود[۱۲]. تعبیر بَعیرٌ حَزنیٌ نیز برای آن شتری بکار برده می‌شود که در زمین‌های حَزن می‌چرد (ابن‌عباد، ١٤١٤، ٣، ١١).

جوهری با یادکرد «الحُزْنُ و الحَزَنُ: خلاف السرور» نخستین کسی است که این معنا را برای ماده حزن مطرح ساخته است. در ادامه، از یک کاربرد متداول در عصر خود یاد کرده است: «فلان یقرأ بالتَّحْزِینِ، إذا أرقَّ صوتَه به» یعنی یک خواننده می‌تواند با لرزاندن صدای خود صوت حزینی ایجاد کند که طبعاً آوایی غم‌انگیز خواهد بود. وی همچنین به گزارش دیگر معانی و کاربردهایی که پیشتر از او کاربرد داشته، پرداخته است (جوهری، ١٣٧٦ق، ٥، ٢٠٩٨).

ابوهلال عسکری در سه مدخل متوالی به تفاوت حزن با کرب، کآبهٔ و بثّ پرداخته است. وی حزن را به معنای حجم بسیار بالای یک غم سنگین[۱۳]گزارش کرده است. بنظر می‌رسد این معنا برخاسته از مؤلفه معنایی سختی و خشونت زمین باشد. وی کرب را معادل حجم بالای غم همراه با بی‌طاقتی و بی‌صبری دانسته است. همچنین کآبهٔ را نمود ظاهری حزن بر چهره فرد دانسته است؛ به عبارتی دیگر حزن را امری درونی دانسته و کآبهٔ را نمود ظاهری آن خوانده است. اگر فرد حزن درونی خود را نمایان کرده و آن را ظاهر کند، از آن تعبیر به «بث» می‌شود(عسکری،١٤٠٠، ٢٦٢).

ابن‌فارس دیگر لغوی معاصر با ابوهلال عسکری و جوهری، ذیل مدخلی مختصر به تحلیل معنایی حزن پرداخته است. او همچون ابوهلال معنای اصلی این ماده را برخاسته از مؤلفه معنایی خشونت و سختی زمین دانسته اما با این وجود معنای اصطلاحی حُزن را «معروف» تلقی کرده است (ابن‌فارس،١٤٠٤، ٢، ٥٤).

---

[۱۰] الحُزْنُ: ما ثَبَتَ فی القَلْبِ فلم یُسْلَ و الحَزَنُ- بفَتْحَتَیْن-: ما سَلاه صاحِبُ المُصِیْبَةِ

[۱۱] رَجُلٌ حَزْنٌ: شَرِسٌ، و قَوْمٌ حَزَنٌ

[۱۲] الحَزُوْنُ: الشّاةُ السَّیِّئَةُ الخُلُقِ

[۱۳] الحزن تکاثف الغم و غلظه مأخوذة من الأرض الحزن و هو الغلیظ الصلب

راغب اصفهانی همچون ابوهلال و ابن‌فارس با تمرکز بر مؤلفه‌ی معنایی سختی و خشونت زمین به تحلیل معنایی حزن پرداخته است. وی از این مؤلفه‌ی معنایی اقدام به ساخت یک استعاره کرده و آن خشونت و سختی زمین را به سختی و خشونت نفس ارتباط داده است؛ امری که منشأ آن غم و اندوه است. راغب حزن را متضاد فرح و شادی دانسته و این تعبیر را بکار برده: «خشّنت بصدره: إذا حزنته» یعنی به سبب حزن و اندوه سینه‌اش سخت و خشن گردید. وی در ادامه برخی از معنای کاربردهای این ماده در قرآن کریم را گزارش کرده است. وی ذیل «لا تحزنوا» در آیه ۸۸ سوره حجر تأکید نموده که محزون شدن عملی اختیاری نیست بلکه مرادش اجتناب از آن اموری است که باعث کسب حزن می‌شود. همچنین در توصیه‌ای اخلاقی- عرفانی تأکید کرده است که انسان باید طبیعت فناپذیر دنیا را بشناسد تا هنگامی که به رنج و فقدان آن دچار می‌شود، به‌سبب آشنایی‌اش با حقیقت این دنیا، بیش از حد دچار ناراحتی و حسرت نگردد. همچنین انسان لازم است که خود را بر تحمل سختی‌های کوچک بردبار سازد، تا در هنگام برخورد با مصائب بزرگ صبر و تحمل داشته باشد(راغب،١٤١٢، ٢٣١).

مصطفوی در التحقیق ذیل ماده حزن پس از گزارش داده‌های پیشینیان، به جمع‌بندی و ارائه نظر پرداخته است. وی حزن را «حالة انقباض مخصوص فی القلب» دانسته که درمقابل آن سرور بصورت «حالة انبساط» قرار دارد. وی برگرفته از مؤلفه انقباض معنای زمین سفت را نیز تحلیل کرده است(مصطفوی ، ١٣٦٠، ٢، ٢٤٥).

معنای حزن بر اساس گزارش مجمع‌البیان و المیزان ذیل آیه ٨٦ سوره یوسف، اندوهی است که بر دل سنگینی کند، چه به وقوع پیوسته باشد و چه قرار باشد که به وقوع بپیوندد (طبرسی، ١٣٣٨، ٢، ٦٤٧؛ طباطبایی، ١٣٧٤، ٢، ٣٨٨). طبرسی حزن را به‌معنای شدت همّ و ناراحتی معنا کرده که برخاسته از مؤلفه قسمت سخت زمین است (طبرسی، ١٣٣٨ ،١، ٢٠٢). او همچنین حزن را سوزش دل بخاطر از دست دادن چیزی معنا کرده است (طبرسی، ١٣٣٨، ٥، ١٩١). علامه طباطبایی نیز حزن را درمقابل فرح (سرور) دانسته است. از نظر وی حزن وقتی بر انسان عارض می‌شود که چیزی را از دست بدهد و یا دوست دارد که داشته باشد ولی مالک آن نیست (طباطبایی، ١٣٧٤ ،٤، ٢٦و٢٧)

از کنارهم گذاشتن نتایج تحلیل‌های لغویان این نکته برداشت می‌شود که مؤلفه معنایی «سختی و خشونت» در واژه حزن وجود دارد، با این توضیح که در ابتدا این معنا صورت فیزیکی و ملموس داشته (أرضٌ حَزَن)، اما در طی زمان این معنا صورت ذهنی بخود گرفته و توصیف کننده شرایط دشواری است که یک مسئول

آن را تجربه می‌کند (حُزانۀ الرجل). در طی زمان این صفت خاص، کاربرد عام گرفته و بر هرگونه دل‌مشغولی و نگرانی دلالت کرده است. تحول معنایی به صورت الگوی ذیل اتفاق افتاده است: «سختی و سفتی زمین > دشواری و دل‌مشغولی شخص مسئول > صفت دل‌مشغولی و نگرانی».

لازم به ذکر است که منطق تاریخ‌گذاری فوق براساس تطور معنایی حاصل شده در طول زمان بدست آمده است. همچنین تکرار یک معنای نیز دلالت بر قدیمی بودن آن می کند لذا معنای سفتی و سختی زمین که بارها تکرار شده و در قدیمی‌ترین منابع لغت یافت می‌شود، نسبت به سایر معانی تقدم خواهد داشت. از طرف دیگر مطابق قاعده مشهور در معناشناسی تاریخی که معمولاً معنای انتزاعی از یک معنای فیزیکی حاصل شده‌اند، یعنی برخی از معانی انتزاعی از یک شئ یا حالت فیزیکی منشأ می‌گیرند.

۲-۲. تحلیل ریشه‌شناختی

زبان عربی از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز پنج مرحله را پشت سر گذرانده است که به ترتیب عبارتند از: عربیِ باستان، عربیِ کهن(پیشاقرآنی)، عربیِ قرآنی(متقدم)، عربیِ مَدرسی و عربیِ مدرن(پاکتچی و افراشی، ۱۳۹۸، ۹۲-۹۰). نکته قابل ذکر آن است که داده‌های لغتنامه‌های زبان عربی صرفاً محدود به دو دوره پایانی زبان عربی هستند. دانش ریشه‌شناسی به‌مثابه بخشی از زبان‌شناسی با رویکرد تاریخی به مطالعه تغییرات واژگان در دو جنبه ساخت و معنا در تاریخ حیات آنها می‌پردازد. درواقع با استمداد از ریشه‌شناسی امکان رصد کردن معنا و ساخت یک واژه از دوران باستان تا به امروز و بررسی و تحلیل تغییرات آن فراهم می‌آید (همان، ۸۵).

الف) حوزه شرقی

در جلد ششم از فرهنگ شیکاگو به عنوان جامع‌ترین فرهنگ زبان اکدی، از ماده ḥزن یاد شده است. صورت این ماده با تصاریف مختلفش برابر «ḫazannu (ḫazânu, ḫaziannu, ḫaziânu» ذکر شده است. برای این ماده معانی مختلفی ذکر شده است: معنای اصیل و اولیه «مسئول ارشد یک شهرک، بخشی از یک شهر کوچک، یک روستا؛ شهردار[14]» معنای ثانویه که در فضای مذهبی و بعدتر از معنای اولیه تشکیل شده «ناظر یا خادم یک کنیسه[15]» است (فرهنگ شیکاگو، ۱۹۹۵، ٦، ۱٦۳-۱٦۵). آنچنان که ملاحظه می‌شود در

[14] Chief magistrate of a town, of a quarter of a large city, a village or a large estate – mayor, burgomaster, headman.
[15] Overseer, servant in a synagogue

خود زبان اکدی شاهد تغییر معنایی این ماده هستیم، به عبارت دیگر یک معنای اصیل مسئولیت داشتن در قبال یک شهر یا روستا، تحت تأثیر فضای مذهبی مؤلفه معنایی دینی به خود گرفته و معنای مسئول یک مکان مذهبی به‌خود گرفته است.

ب) حوزه شمالی – غربی

در فرهنگ جامع زبان‌های سامی شمالی – غربی هفتیزر ذیل مدخل «ḥzn» همچون فرهنگ شیکاگو دو معنای «مقام اداری، شهردار[16]» و «خادم کنیسه، ناظر کنیسه[17]» که البته همچون زبان اکدی معنای شهردار اصیل بوده و معنای خادم کنیسه بعدها تشکیل شده است (هفتیزر، ۱۹۹۵، ۳٦۱). میشل سوکولوف در فرهنگ زبان آرامی خود ذیل مدخل חזן (حزن) معنای خادم کنیسه[18] را برای این ریشه درنظر گرفته است (سوکولوف، ۲۰۰۹، ۱۹٤). در فرهنگ زبان عبری کلاین مدخل חָזָן (حَزِین) گزارش شده است. کلاین اشاره کرده که این ریشه از زبان اکدی وارد عبری شده است. معنایی که در زبان عبری برایش درنظر گرفته متصدی و مسئول ارشد چیزی، فرمانده[19] است (کلاین، ۱۹۸۷، ۲۱۲).

ج) حوزه جنوبی

در حوزه زبان‌های سامی جنوبی ماده ح زن دچار یک تغییر معنایی اساسی شده است، بدین سان که حوزه معنایی «مسئولیت چیزی را برعهده داشتن» تحت یک فرایند استعاری به معنایی جدیدی منتقل شده است که در ادامه ملاحظه خواهد شد. زبان گعزی به‌عنوان شاخص حوزه سامی جنوبی ذیل مدخل «ḥazana» معانی مختلفی چون غمگین بودن، اندوهگین بودن، سوگوار بودن، دلسوز بودن، متأسف بودن و همدردی کردن[20] برای آن درنظر گرفته شده است (لسلاو، ۱۹۸۷، ۲۵۳–۲٥٤). معانی یادشده همگی ویژگی‌های فردی است که مسئولیتی برعهده دارد. در زبان جبالی مدخل «ḥzn» با معنی غمگین بودن[21] ذیل ساخت‌های مختلفی چون «ahzin و hazin » ذکر شده است (جانستون، ۱۹۸۱، ۱۲۲). در زبان حرصوصی نیز همان مدخل با همان معنا ارائه شده است(جانستون، ۱۹۷۷، ٦٥). در زبان مهری نیز همان مدخل با معنای بسیار

[16] Magistrate, mayor
[17] Overseer a synagogue
[18] Sexton in synagogue
[19] Superintendent, Officer
[20] Be sad, be sorrowful, be grieved, be in mourning, have compassion, be sorry for, sympathize.
[21] To be sad

غمگین بودن[۲۲] گزارش شده است (جانستون، ۱۹۸۷، ۱۹۸). بر اساس آنچه گفته آمد در تمامی زبان‌های حوزه سامی جنوبی، استعمال ماده «حزن» در معنای غمگین و اندوهگین بودن است.

همانطور که اشاره شد می‌توان به تحول معنایی درون حوزه سامی ذیل این ماده اشاره داشت. در زبان‌های حوزه سامی شرقی و شمالی–غربی که نسبت به حوزه جنوبی و مرکزی دارای قدمت بیشتری هستند (زودتر از سامی مادر مهاجرت کرده‌اند)، شاهد کاربست حوزه معنایی «مسئولیت داشتن درقبال یک مکان (شهر، روستا، کنیسه) و اهالی آن» هستیم. این معنای ملموس فیزیکی در زبان‌های حوزه سامی جنوبی و مرکزی، تحت یک فرایند استعاری تبدیل به حوزه معنایی «اندوهگین بودن و غمگین بودن» شده است. بنابراین مسیر ساخت ماده حزن در حوزه سامی به صورت ذیل است:

{مسئولیت داشتن درخصوص یک امر مانند شهردار یک منطقه، خادم کلیسا و ... (زبان‌های سامی شمالی–غربی و شرقی) > نگرانی، ناراحتی (زبان‌های سامی جنوبی و مرکزی)}.

پیجویی‌ها برای فرایند ساخت معنای حزن در زبان‌های سامی را اینبار در دیگر زبان‌ها همچون زبان فارسی می‌توان ردیابی کرد. صفت «سخت» نمونه‌ی جالبی برای این ساخت معنایی است. کاربردهای قدیمی و اصیل معنایی همچون «زمین سخت»، «راه سخت» و... بر سفتی زمین دلالت دارد؛ اما کاربردهای استعاری همچون «زندگی سخت» «شرایط سخت» و ... از فضای لغوی و معنایی اصیل «سفتی زمین» فاصله گرفته و تبدیل به یک معنای استعاری شده که حاکی از شرایط دشوار است و موجب ناراحتی و نگرانی افراد قرار گرفته در این شرایط می‌شود.

نکته قابل ذکر در پایان تحلیل‌های لغوی و ریشه‌شناختی، توجه دادن به تشابه تحول معنایی رخ داده بر اساس گزارش لغویان در زبان عربی است. آنچنان که گذشت، معنای قدیمی و اصیل {حزانۀ الرجل: آنهایی که فرد نسبت به ایشان مسئولیت دارد مانند خانواده} در طول زمان تبدیل به معنای {ناراحتی و غم} شده است. از این‌رو درون خود زبان عربی هم شاهد مسیر ساخت مشابهی هستیم.

۳. تحلیل روابط همنشینی حزن در قرآن کریم

[22] To be very sad

ماده «ح زن» در قرآن کریم ٤٢ مرتبه ذیل ٤٢ آیه بکار رفته است. مطابق با روش معناشناسی ساختگرا در گام نخست باید به تحلیل همنشین‌های ماده محوری پرداخت. از این‌رو در ادامه عبارات همنشین کاربردهای حزن در قرآن کریم به همراه نوع رابطه نحوی آنها آمده است.

جدول۱: فهرست همنشین‌های ماده حزن بهمراه بسامد و نوع رابطه میان آنها

کاربست ماده ح‌زن	لا هُمْ یَحْزَنُونَ	لا تَحْزَنْ	لا تَحْزَنی	لا تَحْزَنُوا
همنشین حزن	لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ	لا تَخَفْ	لا تخافی	لا تَخافُوا
نوع رابطه	عطف	عطف	عطف	عطف
بسامد	**١٤**	١	١	١
آدرس آیه	بقره: ٢٦٢ و ٢٧٢؛ آل عمران: ٦٩ و ..	عنکبوت: ٣٣	قصص:٧	فصلت: ٣٠

کاربست ماده ح‌زن	الحُزن	حَزَناً	وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِم	لا یَحْزَنَّ
همنشین حزن	ابْیَضَّتْ عَیْناهُ مِنَ ...	أَعْیُنُهُمْ تَفیضُ مِنَ الدَّمْعِ ...	لا تَکُنْ/ تکُ فی ضَیْقٍ	یَرْضَیْنَ بِما آتَیْتَهُنَّ
نوع رابطه	متعلق	حال	عطف	عطف
بسامد	١	١	٢	١
آدرس آیه	یوسف:٨٤	توبه:٩٢	نحل:١٢٧ و نمل:٧٠	احزاب:٥١

کاربست ماده ح‌زن	فَلا یَحْزُنْکَ	لَیَحْزُنْکَ	لا تَحْزَنَ	لا یَحْزُنْهُمُ	لا هُمْ یَحْزَنُونَ
همنشین حزن	قَوْلُهُمْ	الَّذی یَقُولُونَ	لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ	الْفَزَعُ الْأَکْبَرُ	لا یَمَسُّهُمُ السُّوءُ
نوع رابطه	فاعل	فاعل	عطف	فاعل	عطف

بسامد	۲	۱	۱	۱	۱
آدرس آیه	یس:۷٦؛ یونس:٦٥	انعام:۳۳	قصص:۱۳	انبیاء: ۱۰۳	زمر: ٦۱

کاربست ماده ح‌زن	لا یَحْزَنَّ	لا تَحْزَنُوا	لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ	أَلاَّ تَحْزَنی
همنشین حزن	یَرْضَیْنَ بِما آتَیْتَهُنَّ	وَ لا تَهِنُوا	وَ اخْفِضْ جَناحَکَ لِلْمُؤْمِنینَ	فَناداها مِنْ تَحْتِها
نوع رابطه	عطف	عطف	عطف	متعلق
بسامد	۱	۱	۱	۱
آدرس آیه	احزاب: ۵۱	آل عمران: ۱۳۹	حجر: ۸۸	مریم: ۲٤

کاربست ماده ح‌زن	لا تَحْزَنَ	حَزَناً	وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ	لاتحزن علیـهم
همنشین حزن	قَتَلْتَ نَفْساً فَنَجَّیْناکَ مِنَ الْغَمِّ	عدواً	فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ فَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ	علیهم(گروه کفار)
نوع رابطه	متعلق	عطف	جواب شرط	مفعول با واسطه
بسامد	۱	۱	۱	۱
آدرس آیه	طه: ٤۰	قصص:۸	بقره:۳۸	۸۸:حجر ، ۱۲۹:نحل

کاربست ماده ح‌زن	لِکَیْلا تَحْزَنُوا	حُزْنی	لا تَحْزَنُوا	لَیَحْزُنُنی	لیحزن
همنشین حزن	عَلی ما فاتَکُمْ	بَثِّی	أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ	أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ	الشیطان
نوع رابطه	متعلق	عطف	عطف	مفعول با واسطه	فاعل
بسامد	۱	۱	۱	۱	۱

آدرس آیه	آل عمران: ۱۵۳	یوسف: ۸٦	آل عمران: ۱۳۹	یوسف: ۱۳	مجادله:۱۰

کاربست ماده ح‌زن	(أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ	لا تَحْزَنُوا	حُزْنی(إِلَی اللَّه)	لا تَحْزَن	لِيَحْزُنَ
همنشین حزن	أَذْهَبَ عَنَّا	أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ	إِلَى اللَّهِ	إِذْ يَقُولُ لِصاحِبِهِ	الَّذينَ آمَنُوا
نوع رابطه	مفعول	عطف	متعلق	متعلق	مفعول
بسامد	۱	۱	۱	۱	۱
آدرس آیه	فاطر: ۳٤	فصلت: ۳۰	یوسف: ۸٦	توبه: ٤۰	مجادله:۱۰

آنچه گذشت فهرستی از همنشین‌های ماده ح‌زن در قرآن کریم بود. در ادامه تحلیل آنها آمده است.

۳-۱. تحلیل معنایی همنشین‌های حزن در قرآن کریم

از همنشینی کاربست‌های مختلف حزن با الفاظ و عبارات مختلف می‌توان دلالت‌های معنایی بسیاری بدست آورد. در کاربست‌های فعلی ماده ح‌زن شاهد یادکرد برخی فاعل و مفعول‌ها هستیم که حاکی از توجه قرآن کریم به دوگان «مسئولیت داشتن – نگرانی و اضطراب» است. موارد متعددی از فاعل‌های حزن آنهایی هستند که نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت می‌کنند. به‌عبارت دیگر مؤمنان واقعی به‌حسب وظیفه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکری که برضمه خود احساس می‌کنند، نمی‌توانند نسبت به اتفاقاتی که در جامعه به وقوع می‌پیوندد با بی‌اعتنایی عبور کنند، از این‌رو، برخاسته از آن حس مسئولیت خود، احساس نگرانی و اضطراب بر آنها عارض می‌شود.

این موارد دو گروه هستند، اول فرستادگان الهی که حسب مأموریت الهی‌شان نسبت به قوم خویش احساس مسئولیت و اضطراب می‌کنند. دوم عموم مؤمنان و مسلمانان هستند که احساس مسئولیت اجتماعی‌شان، آنها را در موقعیت نگرانی و اضطراب قرار می‌دهد.

مطابق آیات قرآن کریم، شخصیتی که بیشتر از همگان این احساس نگرانی و اضطراب را تجربه می‌کند، شخص رسول‌اکرم(ص) است که خداوند متعال در مواضع متعددی خطاب به آن حضرت با الفاظ مختلف

فرموده که نسبت به اوضاع جامعه خود محزون نباش.[۲۳] حضرت لوط[۲۴] پیامبر دیگری است که خداوند متعال او را از نگرانی برخاسته از احساس مسئولیت نسبت به قوم خود وا داشته است. در درجات بعدی نیز مؤمنان و مسلمانان جامعه افرادی هستند که احساس مسئولیت اجتماعی دارند. نمونه‌های قابل ذکر دیگر، اضطراب حضرت یعقوب نسبت به فرزند خود یوسف و مادر حضرت موسی نسبت به فرزند به آب سپرده شده‌اش می‌باشند که طبعاً برخاسته از احساس مادرانه ایشان است. در ادامه فهرستی از این موارد ارائه خواهد شد که همان فاعل‌های کاربردهای فعلی ماده حزن هستند.

جدول۲: فهرست افرادی که بدلیل احساس مسئولیت، مضطرب و نگران هستند

آیه	افرادی که به دلیل احساس مسئولیت، مضطرب و نگران هستند
بقره: ۳۸	{فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ}
بقره: ٦٢	{مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً}
بقره: ۱۱۲	{مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ}
بقره: ٢٦٢	{الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ثُمَّ لا يُتْبِعُونَ ما أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لا أَذیً}
بقره: ٢٧٤	{الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِيَةً}
بقره: ٢٧٧	{الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ}
آل عمران: ۱۷۰	{الَّذينَ قُتِلُوا فی سَبيلِ اللَّهِ}
احقاف: ۱۳	{الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا}
مائده: ٦٩	{مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً}
یونس: ٦٢	{أَوْلِياءَ اللَّهِ}
انعام: ٤٨	{مَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ}
عنکبوت: ۳۳	{لُوط}

[۲۳] بعنوان مثال: در آیه ۲۳ سوره لقمان فرمود: وَ مَنْ كَفَرَ فَلا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ. همچنین آل عمرن: ۱۷۶؛ مائده:۴۱؛ انعام:۳۳؛ یونس:۶۵ و یس:۷۶

[۲۴] عنکبوت:۳۳

اعراف: ۳۵	{مَنِ اتَّقی وَ أَصْلَحَ}
قصص: ۷	{أُمِّ مُوسی}
فصلت: ۳۰	{الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا}
زخرف: ٦٨	{عِبادِ}
اعراف: ٤٩س	{رِجَالًا یَعْرِفُونَهُمْ بِسِیمَاهُمْ}
زمر: ٦١	{الَّذینَ اتَّقَوْا}
آل عمران: ۱۳۹	{مسلمانان مدینه}
احزاب: ۵۱	{پیامبر اکرم}
توبه: ٤٠	{صاحِبِهِ}
مریم: ٢٤	{حضرت مریم}
قصص: ۱۳	{مادر موسی}
طه: ٤٠	{مادر موسی}
حجر: ۸۸	{پیامبر اکرم(ص)}
نحل: ۱۲۷	{پیامبر اکرم(ص)}
نمل: ۷۰	{پیامبر اکرم(ص)}
آل عمران: ۱۵۳	{مسلمانان مدینه}

در برخی دیگر از کاربردهای فعلی حزن شاهد ذکر فاعل برای تحلیل معنایی دیگر هستیم. خداوند متعال در این کاربردها به منشأ بروز نگرانی توجه کرده است. به عبارت دیگر آنچنان که گذشت، در موارد پیشین آن دسته از افرادی که درگیر اضطراب برخاسته از احساس مسئولیت اجتماعی‌شان بودند، نام برده شدند. در این مرحله قصد توضیح این را دارد که چه عواملی موجب این اضطراب می‌شوند؛ در واقع چون عبارت احساس مسئولیت اجتماعی خیلی کلی است، در این کاربردها توضیح داده شده که کدام اعضای جامعه و کدام رفتارشان باعث ایجاد این احساس نامطلوب نزد مسئولان و مؤمنان جامعه می‌شود.

برای این کاربردهای فعلی حزن، مفعول نیز ذکر شده است. در تحلیل معنایی این کاربردها می‌توان اینگونه توضیح داد که خداوند متعال برای تقریب به ذهن و تبیین آنکه کدام گروه از جامعه بیشتر تحت تأثیر این

نگرانی و اضطراب قرار می‌گیرند و دقیقاً چه عاملی موجب نگرانی هرکدام از آنها می‌شود، در یک آیه هم فاعل و هم مفعول حزن را با یکدیگر بکار برده است، اینگونه مراد خود را دقیق‌تر به مخاطب خود انتقال می‌دهد. در ادامه فاعل و مفعول (محزون) مزبور آمده است

جدول۳ : فهرست موجبات و گروه‌هایی که مضطرب و نگران می‌شوند

آیه	افراد و رفتارهایی که موجب بروز نگرانی و اضطراب می‌شوند	گروهی که مضطرب و نگران می‌شوند/محزون
انعام : ۳۳	الَّذی یَقُولُونَ	کَ (پیامبر اکرم(ص))
یونس : ٦٥	قَوْلُهُمْ	کَ (پیامبر اکرم(ص))
آل عمران: ۱۷٦	الَّذینَ یُسارِعُونَ فِی الْکُفْرِ	کَ (پیامبر اکرم(ص))
مائده: ٤١	الَّذینَ یُسارِعُونَ فِی الْکُفْرِ مِنَ الَّذینَ قالُوا آمَنَّا بِأَفْواهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ	کَ (پیامبر اکرم(ص))
انبیاء: ۱۰۳	الْفَزَعُ الْأَکْبَرُ	هم {الَّذینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَی}
لقمان: ۲۳	کُفْرُهُ	{پیامبر اکرم(ص)}
یس: ۷٦	قَوْلُهُمْ	{پیامبر اکرم(ص)}
مجادله: ۱۰	{الشَّیْطانِ}	الَّذینَ آمَنُوا
یوسف: ۱۳	أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ	{یعقوب نبی}

نکته جالب توجهی که از بررسی همنشین‌ها و فاعل و مفعول‌های حزن می‌توان برداشت کرد، توجه خداوند متعال به عواملی است که رعایت کردن آنها موجب درمان حزن شود. به‌عبارت دیگر خداوند متعال هنگامی که درخصوص حزن سخن به‌میان آورده، از یکسری عواملی که توجه داشتن به آنها موجب می‌شود تا افراد دیگر احساس ناخوشایند حزن را تجربه نکنند. در ادامه این عوامل که همان درمانگران حزن هستند و آنهایی که این رفتارها را انجام می‌دهند همان مصون ماندگان از حزن هستند، ارائه خواهند شد:

۱. تبعیت از هدایت الهی : فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ

۲. ایمان آوردن به خداوند متعال و روز قیامت و انجام دادن اعمال صالح و پسندیده: مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً / الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ / مَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ

۳. سپردن و تسلیم کردن خود به خداوند متعال: مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ

۴. انفاق اموال خود برای رضای الهی: الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ثُمَّ لا يُتْبِعُونَ ما أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لا أَذىً / الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِيَةً

۵. جنگاوری و شهادت در مسیر الهی: الَّذينَ قُتِلُوا فی سَبيلِ اللَّهِ

۶. استقامت ورزیدن در ایمان به باری تعالی: الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا

۷. تقوای الهی پیشه کردن و انجام دادن اعمال صالح: مَنِ اتَّقى وَ أَصْلَحَ

٤. تحلیل جانشین‌های واژه حزن در قرآن کریم

بر اساس روش معناشناسی ساختگرا از مسیر واژگان همنشین می‌توان به جانشین‌ها یا محور غیاب دست یافت. براین اساس پس از رهگیری تک تک همنشین‌ها و صرفا بر اساس ساختار نحوی مشابه، واژگان جانشین شناسایی و تحلیل شده‌اند. در خصوص بخش «تحلیل سیاقی» که در ادامه ذیل هر یک از واژگان آمده است، صرفا در راستای فهم بهتر واژگان جانشین است و الزاما ارتباط مستقیمی با فرایند روش معناشناسی ساختگرا ندارد.

الف) لَا تَخْشَی به عنوان واژه جانشین از مسیر واژه همنشین خوف

ماده خوف ۱۷ مرتبه همنشین حزن شده است که ١٤ مورد از آنها به‌صورت اسمی و ۳ مورد دیگر کاربرد فعلی دارند. از این‌رو در دو مسیر مجزا از طریق کاربردهای اسمی و فعلی تلاش می‌شود تا واژه جانشین شناسایی گردد. در ادامه براساس این تفکیک به تحلیل جانشین‌ها پرداخته خواهد شد.

۱) کاربردهای اسمی

در آیاتی که باهم آیی صورت اسمی ماده خوف با ماده حزن آمده است، خوف در جایگاه مبتدای جمله اسمیه قرار دارد. از این‌رو جهت دستیابی به جانشین مناسب برای حزن از مسیر صورت اسمی ماده خوف الزاماً باید دیگر موارد اسمی ماده حزن که ساختار نحوی مشابهی در جمله دارند، پیگیری شوند. در گام بعد باید دقت شود که در آیاتی که باهم‌آیی صورت اسمی خوف با حزن اتفاق افتاده، رابطه میان این دو ماده، عطف دو جمله اسمیه بر یکدیگر است. پس از جستجوهای به عمل آمده مشخص گردید که چنین وضعیتی برای دیگر کاربردهای اسمی ماده خوف وجود ندارد. از این‌رو نمی‌توان از مسیر کاربردهای اسمی ماده خوف به جانشین مناسبی برای حزن دست یافت.

۲) کاربردهای فعلی

در آیات ۷ سوره قصص، ۳۳ عنکبوت و ۳۰ فصلت باهم‌آیی صورت فعلی ماده خوف با ماده حزن آمده است. در تمامی این آیات رابطه عطف میان خوف و حزن برقرار شده است. نکته مهم دیگر درخصوص نوع این رابطه آنکه در تمامی این آیات خوف و حزن با حرف نفی «لا» به‌صورت منفی بکار رفته‌اند؛ بنابر این لازم است که جانشین نیز با حرف نفی «لا» به‌صورت منفی بکار رفته باشد. با درنظر گرفتن تمامی شرایط فوق، تنها جانشین مناسبی که برای صورت فعلی حزن می‌توان درنظر گرفت، فعل«**لا تخشی**» است که در آیه ۷۷ سوره طه بکار رفته است: وَ لَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا **وَ لَا تَخْشَى**.

خداوند متعال پس از ذکر داستان حضرت موسی و ساحران فرعون که منجر به پیروزی حضرت شد، دستور کوچ شبانه بنی‌اسرائیل را صادر کرد. طبعاً این حرکت گروهی برای مسئول آنها که حضرت موسی بود، امری بسیار پرمخاطره و دشوار بود؛ چه اولاً مردم عادی که در میان آنها مرد و زن و پیر و جوان و کودک بود، جزء اعضای این مهاجرت بودند؛ مدیریت کردن این طیف گسترده خودش بسیار دشوار بود. ثانیاً آنکه دشمنی بزرگ و خونخوار همچون فرعون و لشکریانش بدنبال آنها بودند که قصد قتل عام و نابودی بنی‌اسرائیل را داشتند و اگر به آنها می‌رسیدند، قطعاً همه را قتل عام می‌کردند. ثالثاً در مسیر مهاجرت با سد عظیم رود نیل مواجه بودند؛ سدی که رد شدن از آن یک مسئله دشوار بود، هرچند که

خداوند متعال این مشکل را تدبیر کرده بود و راه عبور را برای ایشان گشود اما تا پیش از رد شدنشان، در ذهن بنی‌اسرائیل یک بحران بزرگ بود.

بر اساس آنچه گفته آمد، حضرت موسی بعنوان مسئول این گروه با این حجم فراوان از مشکلات مواجه بود که باید برای تمامی آنها تدابیر لازم را اتخاذ می‌کرد. طبعاً این وضعیت دشوار موجب می‌شد تا احساس نگرانی، اضطراب و دلواپسی برای آن حضرت ایجاد شود. در این شرایط خداوند متعال به حضرت موسی دستور داد که نخست «لا تَخَافُ دَرَكًا» از اینکه در دام فرعونیان بیفتی نترس؛ و دوم «لَا تَخْشَى» دیگر تهدیدهایی که در انتظار تو هست، نهراس، چه خداوند متعال همیشه همراهت خواهد بود. نکته مهم آنکه از باهم‌آیی «خوف» و «خشی» این مهم برداشت می‌شود که معنای آنها از یکدیگر متمایز است، هرچند که مؤلفه‌های معنایی مشترکی نیز دارند. در ساختار قرآن کریم، «خوف» همنشین حزن هست و «خشی» جانشین آن شده است؛ این امر نشانگر وجود مؤلفه معنایی ترس در تحلیل معنایی ماده حزن است. طبعاً حزن مؤلفه‌های معنایی مشترکی با هردوی آنها دارد اما طبعاً با جانشین خود که همان خشی است، قرابت بیشتر دارد.

تحلیل سیاقی آیات حزن

۱) قصص، ۷: از آیه ٤ سوره قصص داستان زندگانی حضرت موسی روایت شده است که سه آیه نخست (٤ و ٥ و٦) به‌نوعی مقدمه بحث بوده و آیه هفتم شروع داستان است. وقتی فرعون اقدام به کشتن نوزادان ذکور بنی‌اسرائیل کرد، خداوند متعال برای حفظ جان حضرت موسی به مادرش الهام نمود که او را به رود نیل بسپارد. رفتاری که به‌طور معمول توسط هیچ مادری اتفاق نخواهد افتاد، چه حجم خطر و تهدید درمقابل این وضعیت نامحدود است. طبعاً احاساسات مادرانه او بشدت تحت تأثیر بوده و احتمالا بی‌تابی کرده است، چه سرنوشت کودک او نامعلوم بود و مشخص نبود که با چه مخاطرات و تهدیدهایی مواجه خواهد شد. خداوند متعال در این میان با دلداری دادن مادر موسی و ذکر این بشارت که او به تو بازخواهد گشت و از پیامبران خواهد شد؛ او را دلداری داد. احساس مسئولیت مادرانه او موجب شد تا به نگرانی و اضطراب افتاده و بی‌تابی کند، دقیقاً همان چیزی که در مؤلفه‌های معنایی حزن مشاهده گردید.

۲) عنکبوت،۳۳ : داستان فرشتگان عذاب قوم حضرت لوط از آیه ۳۱ سوره عنکبوت آغاز شده است. آنها نخست به نزد حضرت ابراهیم رفته و ایشان را از مأموریت خود آگاه ساختند، آن حضرت نیز از وضعیت جناب لوط که در میان قوم بود پرسید؛ فرشتگان نیز اذعان داشتند که می‌دانیم او درمیان قومش است و نجاتش خواهیم داد. در آیه ۳۳ فرشتگان به‌سراغ حضرت لوط رفتند که آن حضرت با دیدن آنها بیهوش شدند. گویا حضرت لوط از آنچه برسر قومش خواهد آمد، آگاهی یافت و از شدت آن وحشت نمود. این احساس مسئولانه تنها می‌تواند در وجود انبیای الهی تجربه شود، با توجه به این نکته که اهالی آن قوم نسبت به پیامبرشان از هیچگونه دشمنی کوتاهی نورزیده بودند.

۳) فصلت،۳۰ : در سوره فصلت همواره سخن از تقابل دوگروه جهنمی و بهشتی است. جهنمیان با مخالفت با دستورات پیامبرانشان و مشکل آفرینی درمقابل مؤمنان، تنها خود ایمان نمی‌آوردند بلکه مؤمنان را نیز اذیت و آزار می‌دادند. خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره فصلت تأکید داشته که آنهایی که از صمیم قلب ایمان آورده و در برابر تهدیدها و مخاطرات انبوهی که از جانب گروه کفار در انتظارشان است، استقامت کنند، فرشتگان بر ایشان نازل شده و دلداری‌شان خواهد داد. گویا مؤمنان نسبت به تهدیدها و مخاطراتی که در آینده، پس از ایمان آوردن، درانتظارشان بوده احساس نگرانی داشتند، چه احساس برادری و همدلی نزد مؤمنان واقعی بسیار است، از این‌رو هرگز راضی به سختی افتادن برادر مؤمنشان نبودند.

ب) لَا تَأْسَ به عنوان واژه جانشین از مسیر واژه همنشین علیهم (کفار و مشرکان)

خداوند متعال پس از مشاهده احساسات شدید برانگیخته شده پیامبراکرم(ص) درخصوص کفار و مشرکان، آن حضرت را دلداری دادند. برای نمونه در آیات ۸۸ سوره حجر، ۱۲۷ نحل و ۷۰ نمل خطاب به آن حضرت اینگونه توصیه نمود که: «لاتحزن علیـهم». ضمیر «هم» به گروه کفار و مشرکان باز می‌گردد. برای یافتن جانشین مناسب حزن از طریق این همنشین لازم است تا اسلوب فوق تکرار شود، به عبارت دیگر پیامبر اکرم(ص) را با اسلوب «لا .... + علیـهم» دلداری داده باشد. در آیه ٦٨ سوره مائده از تعبیر «لا تأس» استفاده شده که جانشین مناسبی برای لا تحزن محسوب می‌شود: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا **فَلَا تَأْسَ** عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

آیه ٦٧ سوره مائده معروف به آیه تبلیغ است. خداوند متعال به پیامبراکرم(ص) امر فرمودند که هرچه بر شما نازل شده است، به مردم ابلاغ کن و از هیچ عاملی ترس نداشته باش. در آیه ٦٨ به پیامبر دستور داده می‌شود که خطاب به اهل کتاب بگو تا آن زمان که به کتب آسمانی خود نگروید و دستورات خداوند متعال را عملی نسازید، هیچ جایگاه و ارزشی ندارید. همچنین تأکید شده که حتی بسیاری از آنها نسبت به کتب الهی کافر شده و طغیان ورزیدند. در این میان پیامبر اکرم(ص) که وظیفه هدایت همگان حتی غیر مسلمانان را بر عهده داشته است، نسبت به وضعیت ایشان که منجر به جهنمی شدنشان می‌شد، احساس ناراحتی و نگرانی می‌کردند؛ در این میان خداوند متعال به آن حضرت دستور داد که «لَا تَأْسَ عَلَىَ الْقَوْمِ الْكَافِرِين[۲۵]» یعنی برای وضعیتی که کافران بدان دچارند، اندوه مخور.

تحلیل سیاقی

۱) نحل،۱۲۷: خداوند متعال در آیه ۱۲۵ خطاب به پیامبراکرم(ص) توصیه‌هایی مبنی بر نحوه دعوت آن حضرت به دین اسلام ارائه کرده است. اما از آنجایی که حضرت نمود رحمت واسعه خداوند متعال است، احساس ناخوشایندی به آن حضرت دست داده، چه نسبت به عاقبت امر مبهمی که در این دنیا و چه در آخرت در انتظار کافران است، احساس نگرانی و اضطراب داشتند. از این‌رو خداوند متعال پس از توصیه ایشان به صبوری، عدم حزن را از ایشان درخواست کرده است. احساس مسئولیت آن حضرت منشأ ایجاد این وضعیت برای ایشان بوده است.

۲) نمل،۷۰ : خداوند متعال پس از آنکه برهان‌های مختلفی برای کفار ارائه نمودند تا ایشان به جرگه ایمان وارد شوند، اما هنوز لجاجت و عنادورزی خود را حفظ کردند، خدای متعال پیامبر کرم(ص) را همچون مورد قبل دلداری داده است، چه ایشان احساس اضطراب و نگرانی بسیاری نسبت به آینده کفار داشتند.

۳) حجر،۸۸ : پس از ذکر سرگذشت اصحاب الحجر، احساس می‌شود پیامبراکرم(ص) خود را بسیار تحت تأثیر وضعیت کافران دید، چه ایشان از نظر عِدّه و عُدّه بسیار بیشتر از مسلمانان بودند. به نظر می‌رسد پیامبراکرم(ص) درخصوص نحوه دشمنی ورزیدن و مخاطراتی که این کافران نسبت به اسلام نوپا می‌توانستند بوجود آورند، دچار نگرانی و اضطراب بودند. از این‌رو خداوند متعال آن حضرت را دلداری

[۲۵] مترجمان «لا تأس» را معادل «اندوه مخور» ترجمه کرده‌اند (رک: ترجمه‌های قرآن ذیل آیه ۶۸ مائده)

داده که ما به تو «سبعاً من المثانی» اعطا نمودیم و از آنچه که گروه‌های کافران در اختیار خود دارند، احساس ناامنی مکن. تو و امت مسلمانت همگی در امان خواهید بود و لازم نیست که برخاسته از حس مسئولیت خود، در وضعیت نگرانی و اضطراب قرار گیرید.

ج) لِيُبْدِيَ لَهُمَا ... به عنوان واژه جانشین از مسیر واژه همنشین شیطان

مطابق آیه ۱۰ سوره مجادله، نجوا ابزار شیطان برای محزون ساختن مؤمنان معرفی شده است. در واقع شیطان با نجوا کردن با مؤمنان و به اصطلاح «دل ایشان را خالی کردن» باعث روی برتافتن آنها از دین می‌شود. اسلوب بکار رفته در این آیه به‌صورت «شیطان + لـ + فعل (فاعلش شیطان است)» است. مشابه این اسلوب در آیه ۲۰ سوره اعراف آمده است: فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَ قَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. مطابق این اسلوب عبارت «**لِيُبْدِيَ لَهُمَا** ...» جانشین حزن است. در این آیه شیطان با استفاده از ابزار وسوسه، باعث گمراهی آدم و حوا شده است، مشابه کارکرد نجوی برای اهل ایمان در آیه ۱۰ سوره مجادله.

هنگامی که حضرت آدم و حوا آفریده شدند، خداوند متعال ایشان را در جنۀ جای داد. در این میان شیطان که به‌سبب سجده نکردن بر آدم از درگاه الهی رانده شده بود و بر گمراه ساختن آدم از مسیر الهی قسم خورده بود؛ شروع به گمراه کردن آن حضرت نمود. در این آیه تبیین شده که وسوسه، ابزار شیطان برای گمراه ساختن حضرت آدم و حوا بود. شیطان با وسوسه کردن آن حضرت موجب شد «سَوْآتِهِمَا» که پیشتر از دید آنها پنهان بود، برایشان آشکار گردد. این یک مصیبت و بلای الهی بود که ثمره پیروی از وسوسه شیطان در تعدّی از دستورات الهی به شمار می‌رفت.

تحلیل سیاقی

مجادله،۱۰ : از آیه ۸ الی ۱۰ سوره مجادله سخن از نجوا به میان آمده است. آنچنان که از تأکید آیات برمی‌آید، ظاهراً نجوا یکی از ابزارهای شیطان برای تزلزل ایجاد کردن در دل مؤمنان بوده است. خداوند متعال با آگاهی از این موضوع هشدار داده است که از نجوا بپرهزید، چه موجب دلسردی افراد از ایمان و دین خود می‌شود؛ گویا که افراد با نجوا کردن دچار اضطراب و نگرانی می‌شدند.

د) لایشقی به عنوان واژه جانشین از مسیر عبارت همنشین «فَمَنْ تَبِعَ هُدايَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ»

در آیه ۳۸ سوره بقره از اسلوب شرط و جواب شرط استفاده شده است. عبارت شرط {فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ} و عبارت جواب شرط در این جمله بصورت {فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُون} است. در آیه ۱۲۳ سوره طه اسلوبی مشابه بکار رفته است: قالَ اهْبِطا مِنْها جَميعاً بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدىً فَمَنِ اتَّبَعَ هُدايَ فَلا يَضِلُّ وَ لا يَشْقى؛ عبارت شرط {مَنِ اتَّبَعَ هُدايَ} و جواب شرط این جمله {فَلا يَضِلُّ وَ لا يَشْقى} است. براساس قاعده بلاغی «لف و نشر مرتب» عبارت «لا یشقی» جانشین دیگر حزن در قرآن کریم خواهد بود.

تحلیل سیاقی

۱) بقره،۳۸ : هنگامی حضرت آدم و همسرش در بهشت از دستور خداوند متعال تبعیت نکردند، به دستور الهی به زمین هبوط کردند. گویا که آن حضرت از حضور در زمین احساس امنیت نمی‌کرد، چه از تهدیدها و مخاطراتی که در این مکان جدید در انتظارش بود، آگاهی نداشت. او که مسئولیت خانواده خویش را برعهده داشت، طبعاً نگرانی و اضطراب بر او مستولی می‌شده است. از این‌رو خداوند متعال خطاب به آن حضرت اینگونه توصیه نمود که اگر از هدایتی که برای شما قرار می‌گیرد، تبعیت کنید قطعاً خوف و حزنی نخواهید داشت.

۵. مؤلفه‌های معنایی تحلیل معناشناختی

براساس آنچه ارائه گردید جانشین‌های ماده حزن در نمودار ذیل آمده است:

نمودار۱: فهرست همنشین‌ها و جانشین‌های حزن

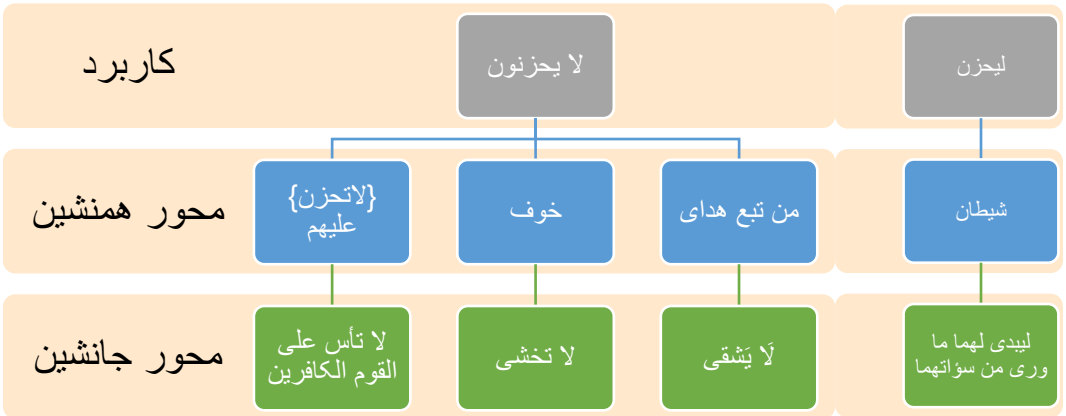

تحلیل معنایی همنشین‌ها:

حزن در قرآن کریم یک احساس منفی است که بر همه کس از مادر حضرت موسی گرفته تا شخص پیامبراکرم(ص) عارض می‌شود. گاهی عواملی چون شیطان و ... باعث می‌شوند که اهل ایمان دچار این احساس منفی شوند. در شرایطی که احساس ناخوشایند حزن بر اهل ایمان غلبه پیدا کرده، خداوند متعال خطاب به ایشان نقطه ضعفشان را گوش زد کرده است؛ اینکه برای جلوگیری از شکست مقابل دشمنان کافر خود از حزن دوری نمایید. در واقع خداوند متعال اینگونه در نقش یک روانشناس عمل کرده و اهل ایمان را دلداری داده است. در برخی موقعیت‌های دیگر نیز خداوند متعال به‌عنوان پاداش اهل ایمان، خوف و حزن، دو احساس ناخوشایند را از ایشان دور می‌کند؛ گویا آنقدر این دو احساس ناخوشایند در وجود آدمی تأثیر عمیقی می‌گذارند که مصونیت از آنها می‌تواند در جایگاه بزرگترین موهبات الهی قرار گیرند.

تحلیل معنایی جانشین‌ها:

شقاوت: مطابق کاربست‌های قرآنی ماده ش‌ق‌و، تقابل شقاوت با سعادت (هود:۱۰۵) و باهم آیی شقاوت و ضلالت (طه:۱۲۳) شقاوت را به عنوان یکی از انواع وضعیت سرنوشت افراد در طول زندگانی معرفی می‌کند. مطابقه آیه ۱۲۳ سوره طه هرکسی که از هدایت الهی تبعیت کند، به شقاوت نخواهد افتاد و این خود یک پاداش بزرگ برای او محسوب می‌شود. مشابه این وضعیت در پاراگراف پیشین درخصوص عدم حزن به عنوان یکی از پاداش‌های الهی درقبال ایمان افراد ملاحظه گردید.گویا که ذهن افراد دائماً دچار این موضوع است که عاقبت زندگانی‌شان در این دنیا چگونه خواهد شد، آیا شقی خواهند بود و یا سعید؟ خداوند متعال در آیه ۱۲۳ سوره طه این دغدغه و نگرانی افراد را اینگونه پاسخ داده که اگر هرکسی از هدایت الهی تبعیت کند، در ورطه شقاوت فرو نخواهد رفت؛ در واقع خداوند متعال اینگونه آرامش ذهنی را برای افراد ایجاد کرده است.

خشیت: از کاربردهای قرآنی خشی اینگونه فهم می‌شود که با نوع خاصی از ترس مواجهیم که معمولاً برای خداوند استفاده می‌شود (مثلا بقره:٧٤ و ١٥٠؛ نساء:٧٧). نوع خاصی از ترس که جنبه شناختی بسیار قوی دارد؛ به‌عبارت دیگر از خدایی که به چشم ندیده‌ای و صرفاً توصیفاتش را شنیده‌ای و درنتیجه‌ی آنها یک شناخت از او برای فرد حاصل شده که ترسناک است. از مؤلفه‌های مهم معنایی حزن نیز همین جنبه‌ی

شناختی آن است، افراد به سبب شناختی که از وضعیت خود یا آینده دارند، محزون می‌شوند. این مؤلفه معنایی را باید در تحلیل ماده حزن در نظر داشت.

لا تأس: از کاربردهای قرآن ماده أسی اینگونه برداشت می‌شود که معنایی معادل تأسف خوردن دارد (ماده: ٢٦ و ٦٨). خداوند متعال امر کرده است که پیامبراکرم(ص) نباید به حال کافران و فاسقانی که هدایت را نمی‌پذیرند، تأسف بخورد؛ تأسف خوردن نوع احساس منفی است که افراد آن را تجربه می‌کنند. در سیاق آیات ماده آسی این تأسف خوردن مربوط به عاقبت امر و آینده‌ای است که در انتظار کفار است. در آیات حزن نیز شاهد وضعیت مشابهی هستیم، در آیاتی که پیامبراکرم(ص) نسبت به آینده کافران نگرانی دارد و دچار حزن شده است.

لیبدی لهما ...: مطابق آیه ۲۰ سوره اعراف، شیطان با وسوسه موجب گمراهی آدم و حوا شد و در نتیجه خداوند متعال تشت رسوایی آنها را بر زمین انداخت. فردی که دچار حزن است، به سبب فشار بالای روانی این احساس ناخوشایند، نیازمند کسی است که به او دلداری بدهد؛ خداوند متعال برای مؤمنان این دلداری دادن را انجام می‌دهد، اما اگر فردی خداوند را نداشته باشد و احساسات خود را نزد دیگران فاش کند موجبات رسوایی خویش را فراهم کرده است.

٦. نتیجه‌گیری

تحلیل معناشناختی ماده «حزن» در قرآن کریم بر پایه رویکرد ساختگرا و با تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی نشان می‌دهد که «حزن» در نظام معنایی قرآن کریم، صرفاً دلالت بر یک هیجان منفی زودگذر ندارد، بلکه در شبکه‌ای از مفاهیم تعریف می‌شود. از رهگذر تحلیل همنشین‌ها روشن گردید که حزن تجربه‌ای فراگیر است که بر شخصیت کاملی همچون نبی‌اکرم(ص) و برخی دیگر از انبیای الهی تا مؤمنان عارض می‌شود، اما قرآن کریم آن را در دو سطح متمایز سامان می‌دهد: نخست، حزن به‌مثابه ضعف روانیِ ناشی از غلبه احساسات در موقعیت‌های بحران (نظیر مواجهه با دشمنان) که با خطاب‌های الهی و دعوت به استقامت مهار می‌شود؛ دوم، حزن به‌عنوان دغدغه‌ای برخاسته از نگرانی نسبت به آینده و سرنوشت دیگران که در این سطح، با مؤلفه شناختی و مسئولانه پیوند می‌خورد. تحلیل جانشین‌ها این ساختار را تکمیل می‌کند. تقابل ضمنی «حزن» با مفاهیمی چون «سعادت» در برابر «شقاوت» نشان می‌دهد که بخشی از اندوه

انسانی ریشه در نگرانی وجودی نسبت به عاقبت زندگی دارد. وعده الهی مبنی بر رفع شقاوت در صورت تبعیت از هدایت، کارکردی آرامش‌بخش دارد که با تعبیر «لا خوف علیهم ولا هم یحزنون» هم‌افق است. بدین‌سان، نفی حزن نه نفی مطلق احساس اندوه، بلکه نفی اضطراب ناشی از بی‌ثباتی سرنوشت و فقدان پشتوانه هدایت است. همچنین همنشینی معنایی حزن با «خشیت» نشان داد که هر دو واجد مؤلفه‌ای شناختی‌اند؛ یعنی ریشه در ادراک آینده، پیامد کنش‌ها و آگاهی از موقعیت وجودی دارند. این امر نشان می‌دهد که حزن در بسیاری از سیاق‌ها، واکنشی صرفاً عاطفی نیست، بلکه مبتنی بر فهم و ارزیابی ذهنی وضعیت است. مقایسه آن با «تأسف» نیز آشکار ساخت که حزن در مواردی با نگرانی نسبت به عاقبت دیگران هم‌پوشانی دارد، اما قرآن کریم پیامبراکرم(ص) را از استمرار این سطح از اندوه بازمی‌دارد؛ زیرا مسئولیت هدایت، در نهایت، بر عهده خداوند است. بدین‌ترتیب، حزنِ ممدوح تا جایی معتبر است که به احساس مسئولیت اخلاقی بینجامد، نه آنکه به فرسایش روانی و ازکارافتادگی منجر شود.

در سطحی عمیق‌تر، تحلیل سیاق‌هایی که در آن‌ها شیطان عامل ایجاد اندوه معرفی می‌شود، نشان داد که حزن می‌تواند محصول القائات بیرونی و فقدان اتکای وجودی به خداوند باشد. در مقابل، نقش دلداری‌بخش الهی در رفع حزن مؤمنان بیانگر آن است که آرامش پایدار در منطق قرآن از طریق اتصال به منبع هدایت و اعتماد حاصل می‌شود، نه از طریق تخلیه هیجانی یا اتکای صرف به دیگران. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم در تبیین معنای حزن، نوعی تمایز بنیادین میان «اضطراب فلج‌کننده» و «نگرانی مسئولانه» برقرار می‌کند. حزنِ برخاسته از ضعف ایمان و نگرانی بی‌پشتوانه، مذموم و نیازمند درمان است؛ اما حزنِ برخاسته از آگاهی اخلاقی و دغدغه نسبت به سرنوشت خویش و دیگران، می‌تواند نشانه حساسیت مسئولانه باشد. وعده الهی مبنی بر رفع خوف و حزن، در حقیقت تضمین رهایی از اضطراب وجودی در پرتو هدایت است، نه حذف کامل ظرفیت عاطفی اندوه. در نتیجه، ماده «حزن» در قرآن کریم در نسبت با مسئولیت‌پذیری و نگرانی، معنایی پویا و چندلایه می‌یابد. از یک‌سو، انسانِ متعهد و مسئول در پرتو آگاهی از پیامدهای اعمال و تکالیف خویش، ممکن است تجربه حزن را از سر بگذراند؛ و از سوی دیگر، ایمان، توکل و تبعیت از هدایت الهی موجب می‌شود این نگرانی از سطح اضطراب فرساینده فراتر رود و در قالب آرامش، اطمینان و معنابخشی به حیات مؤمنانه سامان یابد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌درید، محمد. (۱۹۸۸م). ***جمهرة اللغة***. جلد ۳. چاپ: اول. بیروت: دار العلم للملایین.

۲. ابن‌عباد، اسماعیل. (١٤١٤ق). ***المحیط فی اللغة***. جلد ۱۱. چاپ: اول. بیروت: عالم الکتب.

۳. ابن‌فارس، احمد. (١٤٠٤ق). ***معجم مقاییس اللغة***. جلد ٦. چاپ: اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۴. أزهری، محمد. (١٤٢١ق). ***تهذیب اللغة***. جلد ۱۵. چاپ: اول. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۵. پاکتچی، احمد و آزیتا افراشی. (۱۳۹۷ش). ***رویکردهای معناشناختی در مطالعات قرآنی***. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۶. راغب اصفهانی، حسین. (١٤١٢ق). ***مفردات ألفاظ القرآن***. جلد ۱. چاپ: اول. بیروت: دار القلم.

۷. رحیمی، مهناز. (۱۳۹۲ش). ***معناشناسی حزن در قرآن کریم***. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده زبان و ادبیات فارسی.

۸. جوهری، اسماعیل. (١٣٧٦ق). ***الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة***. جلد ٦. چاپ: اول. بیروت: دارالعلم للملایین.

۹. عسکری، حسن. (١٤٠٠ق). ***الفروق فی اللغة***. جلد ۱. چاپ: اول. بیروت: دار الآفاق الجدیدة.

۱۰. فراهیدی، خلیل. (١٤٠٩ق). ***کتاب العین***. جلد ۹. چاپ: دوم. قم: نشر هجرت.

۱۱. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. جلد ۲۰. چاپ: دوم. بیروت، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۲. طبرسی، فضل. (۱۳۷۲ش). ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***. جلد ۱۰. چاپ: سوم. تهران، ایران: انتشارات ناصر خسرو.

13. Black, Jeremy & others. (2000). ***A Concise Dictionary of Akkadian***. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.
14. Hoftijzer, J. and K. Jongeling. (1995). ***Dictionary of the North-West Semitic Inscriptions***. Leiden, New York, Köln: Brill.
15. Leslau, Wolf. (1987). ***Comparative Dictionary of Ge'ez (Classical Ethiopic)***. Wiesbaden: Harrassowitz.
16. Johnstone, T. M. (1987). ***Mehri Lexicon and English-Mehri Word-List***. London: Routledge.

17. Johnstone, T. M. (1977). ***Harsusi Lexicon and English-Harsusi Word-List***. London: Routledge.
18. Johnstone, T. M. (1981). ***Jibbali Lexicon***. New York: Oxford University Press.
19. Klein, A. (1987). ***A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language for Readers of English***. Israel: University of Haifa.
20. Sokoloff, Michael. (2009). ***A Syriac Lexicon: A Translation from the Latin: Correction, Expansion, and Update of C. Brockelmann's Lexicon Syriacum***. U.S.